

دانشگاه بین المللی مذاهب میزبان نشستی درباره «روش تحلیل گفتمان» علامه واعظ زاده خراسانی بود

الگوی نواز «تاریخ نگاری تقریبی»

و گفت و گوی بین مذهبی

یادمان

گروه اندیشه / مراسم بزرگداشت علامه محمد واعظ زاده خراسانی، از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار علوم اسلامی معاصر، در دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی برگزار شد. این مراسم علمی با سخنرانی دکتر صادقی واعظ زاده، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و دکتر افتخار دانش‌پور، عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، به فرصتی پیرای بازخوانی میراث فکری، روش‌شناسی علمی و ابتکارات گفتمانی این اندیشمند فقید تبدیل شد. دو سخنران این نشست، هر یک از زاویه‌ای متفاوت اما هم‌افق، به تحلیل آرا و آثار علامه محمد واعظ زاده خراسانی پرداختند.

کتاب «المعجم» الگوی برای فهم تخصصی مفاهیم قرآنی

در بخش اول این مراسم، دکتر صادق واعظ زاده با تمرکز بر کتاب سترگ «المعجم فی فقه لغة القرآن و سبب بلاغته» علامه واعظ زاده خراسانی، که با عنوان «الموسوعة القرآنية الكبرى» نیز شناخته می‌شود، به بررسی «مفهوم شناسی صنعت در قرآن» پرداخت. او این اثر را حاصل بیش از نیم قرن تلاش علمی مداوم علامه واعظ زاده خراسانی دانست و تأکید کرد که کتاب «المعجم» الگوی کم‌نظیر برای فهم تخصصی مفاهیم قرآنی به شمار می‌رود. دکتر واعظ زاده در تبیین مفهوم «منع» در قرآن گفت: «واژه «منع» در قرآن کریم به معنای ساختن و احداث به کار رفته است، اما نه هر ساختنی. اعمال الهی و انسانی که با هدفمندی، علم، مهارت و دقت انجام می‌شوند، ذیل این مفهوم قرار می‌گیرند. صنعت در قرآن، هم در حوزه مادی و هم در حوزه معنوی و اجتماعی به کار رفته است.» به گفته او، قرآن کریم از «منع» برای توصیف افعال الهی در آفرینش طبیعت همچون خلقت کوه‌ها و نیز برای افعال انسانی مانند ساخت کشتی حضرت نوح(ع) استفاده کرده است. از سوی دیگر، این مفهوم در عرصه‌های غیرمادی همچون تعلیم و تربیت، مدیریت اجتماعی، عبادت

ظرفیت علوم انسانی برای رسیدن به توسعه

توسعه فرهنگی از راه «حکمت عملی»

علوم انسانی در ایران نتوانسته راهی به سوی تجدد بگشاید و التیامی بر زخم‌های ما باشد

نقد و نظر

دکتر عبدالمجید مبغنی - استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی /

اگر «علوم انسانی» را به‌درستی دریابیم، راهی به سوی تجدد و توسعه پیش‌روی ما کشوده خواهد شد؛ چرا که میان «علوم انسانی» و وی جویی برای توسعه نسبی و وثیق برقرار است؛ دکتر مبغنی در این گفتار از ظرفیت‌های پایه‌ای علوم انسانی برای علم و توسعه می‌گوید. او معتقد است «صلح» محصول «توسعه» و هر دو اینها ما حاصل «تجدد» هستند. صلح پیش از آنکه مسئله‌ای سیاسی یا امنیتی باشد، مسئله‌ای معرفتی و مربوط به «نحوه فهم ما از علوم انسانی» است.

به باور او، تجربه تاریخی غرب نشان می‌دهد که صلح پایدار، پیامد بازگشتی انتقادی به سنت و شکل‌گیری علوم انسانی در سطح بنیادین و روش‌شناختی آن است. او استدلال می‌آورد که دشوار شدن توسعه برای ایران، از مواجهه‌ای نادرست با علوم انسانی ناشی شده که تنها به نظریه‌پردازی در آن پیسنده شده است.

از این منظر، شکل‌گیری «مکتب صلح ایرانی» تنها در گرو فهم دوباره «حکمت عملی» نهفته در سنت ایرانی میسر است. مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی او با عنوان «علوم انسانی: پیشینه و اهمیت» است که در سلسله نشست‌های «علوم انسانی، مطالعات بین‌رشته‌ای و صلح» در محل انجمن علمی مطالعات صلح ایران و با همکاری خانه‌اندیشمندان علوم انسانی ارائه شده است.

رسیدن به توسعه از مسیر علوم انسانی

اگر «علوم انسانی» را به‌درستی دریابیم، راهی به سوی تجدد و توسعه پیش‌روی ما کشوده خواهد شد؛ اما مکانی که تا امروز در تجربه تاریخی ما به‌درستی تحقق نیافته است. اگر تجدد را امکان

تداوم پیش‌رونده در بستر زمان و مکان بدانیم، در شکل متأخر خود به توسعه می‌انجامد و میان کشورهایی که به این توسعه دست می‌یابند، نوعی صلح ساختاری برقرار می‌شود. توسعه و صلح که از مصادیق تجدد هستند، به‌وضوح در هسته مرکزی زایش تجدد در اروپای غربی و شمالی، قابل مشاهده است. اروپا تاریخی آکنده از جنگ، نزاع و ویرانی دارد؛ چنان‌که کمتر نقطه‌ای از جهان چنین سطحی از تعارض مستمر را تجربه کرده است. با این حال، امروز بویژه در بخش‌هایی از اروپا که به تجدد دست یافته‌اند (عمدتاً اروپای غربی، مرکزی و شمالی) شاهد هستیم که به‌رغم تعارض منافع و مشکلات گوناگون، پایدارترین امکان‌های صلح شکل گرفته است. اما نکته کلیدی آن است که این رویکرد به

تمرکز اصلی این نشست بر تبیین «روش تحلیل گفتمان»، «نگاه تقریبی» و «ابتکارات تاریخ‌نگارانه» علامه واعظ زاده بود؛ رویکردی که در آثار او، چه در حوزه قرآن پژوهی و چه در تاریخ اندیشه اسلامی، به‌صورت منسجم و هدفمند دیده می‌شود. علامه محمد واعظ زاده خراسانی با سابقه‌ای غنی در پژوهش‌های فقهی، کلامی، قرآنی و تاریخی، از جمله شخصیت‌هایی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رویکرد عقلانی و گفت‌وگومحور در علوم اسلامی معاصر ایفا کرده است. ویژگی شاخص آثار او، تلفیق نگاه تحلیلی با رویکرد تقریبی در مطالعات مذهبی، تکیه بر عقلانیت، انصاف علمی و تلاش آگاهانه برای تقویت گفت‌وگوی میان‌مذهبی است. همین نگاه سبب شده است که میراث فکری او نه تنها در حوزه نظری، بلکه در عرصه‌های کاربردی و اجتماعی نیز الهام‌بخش پژوهشگران نسل امروز باشد.

صنعت در قرآن به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: صنعت الهی و صنعت انسانی. این تقسیم‌بندی، به تعبیر امروزی، شامل «صنعت سخت» و «صنعت نرم» است؛ «صنعت سخت» به فعالیت‌های فیزیکی و تولیدی مانند ساخت بناها و ابزارها اشاره دارد، در حالی که صنعت نرم شامل فعالیت‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی همچون تعلیم و تربیت می‌شود. واعظ زاده در ادامه، به روش‌شناسی خاص علامه واعظ زاده خراسانی در تدوین کتاب «المعجم» پرداخت و توضیح داد که در این اثر، هر واژه قرآنی بر محور «ریشه لغوی» آن بررسی می‌شود. به گفته او، این فرآیند شامل چند مرحله مشخص است: اول، گردآوری دیدگاه لغت‌شناسان برجسته در بخش «موضوع لغوی»؛ سپس جمع‌بندی این دیدگاه‌ها در قالب «اصول لغوی»؛ پس از آن، ارائه «نصوص تفسیری» شامل آیات مرتبط و آرای مفسران شیعه و سنی، قدیم و جدید؛ و در نهایت، بخش «استعمال قرآنی» که جمع‌بندی نهایی و تحلیل اختصاصی مؤلف را دربرمی‌گیرد.

او تصریح کرد: «بسیاری از مفاهیم قرآنی ماهیتی تخصصی دارند و بدون همکاری میان قرآن‌پژوهان و متخصصان حوزه‌های مختلف، فهم عمیق آنها دشوار است. اما کتاب «المعجم» علامه واعظ زاده خراسانی می‌تواند این خلأ را تا حد زیادی پر کند

و بستری مشترک برای گفت‌وگوی علمی میان‌رشته‌ای فراهم آورد.»

علامه واعظ زاده

«عصر تقلید» شهرت یافت. همین امر موجب شکل‌گیری روایت‌های متفاوت و گاه متعارض از زندگی او شد. اما علامه واعظ زاده خراسانی، با رویکردی تقریبی و با بهره‌گیری از منابع معتبر شیعه و اهل سنت، از جمله «الفهرست»، «رجال نجاشی»، «تاریخ بغداد» و «وفیات الاعیان»، کوشیده است روایتی مستند، منصفانه و عقلانی از حیات شیخ طوسی ارائه دهد. او در این باره تأکید کرد: «مرحوم واعظ زاده تصریح می‌کند که بحث از حیات شیخ طوسی صرفاً گزارش تاریخی نیست، بلکه تلاشی است برای بازمانایی عقلانیت در اندیشه شیعی.» یکی از ابتکارات مهم علامه واعظ زاده خراسانی، تقسیم حیات شیخ طوسی به سه دوره معنادار است: از ولادت تا هجرت به بغداد، از بغداد تا هجرت به نجف، و از استقرار در نجف تا وفات. این تقسیم‌بندی امکان پاسخگویی دقیق به شبهات هر دوره را فراهم می‌کند. در دوره اول، شبهات مربوط به محل تولد و برخی انتساب‌های تاریخی، با استناد به منابع جغرافیایی کهن به‌صورت مستدل پاسخ داده می‌شود. در دوره دوم، مهم‌ترین شبهه، ادعای شافعی بودن شیخ طوسی است که علامه واعظ زاده آن را با استدلال‌های تاریخی، نسب‌شناختی و اخلاقی رد می‌کند. دانش‌پور با اشاره به ظرافت این تحلیل گفت: «نکته مهم

در بخش دوم این مراسم، دکتر افتخار گفتمان و ابتکارات علامه محمد واعظ زاده خراسانی در فهم حیات شیخ طوسی» ظرفیت‌های تقریبی موجود در تحلیل پرداخت. او سخنان خود را با اشاره به ظرفیت‌های تقریبی موجود در تحلیل زندگی شیخ طوسی آغاز کرد و گفت: «از نگاه علامه واعظ زاده خراسانی، بازخوانی زندگی شیخ طوسی می‌تواند الگویی نو برای تاریخ‌نگاری تقریبی و تقویت گفت‌وگوی بین‌مذهبی در جهان اسلام باشد.» دانش‌پور با اشاره به رساله «رساله فی حیاة الشیخ الطوسی» که در مجموعه «الرسائل العشر» منتشر شده، توضیح داد که شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، از برجسته‌ترین فقهای امامیه در سده‌های چهارم و پنجم هجری است و آثار ماندگاری چون «تهذیب الاحکام»، «الاستبصار» و «التبیان» را از خود به جای گذاشته است. به گفته دکتر دانش‌پور، زندگی شیخ طوسی در یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخ فقه امامیه رقم خورد؛ دوره‌ای که پس از وفات او، به



صادق واعظ زاده: بسیاری از مفاهیم قرآنی ماهیتی تخصصی دارند و بدون همکاری میان قرآن‌پژوهان و متخصصان حوزه‌های مختلف، فهم عمیق آن‌ها دشوار است. اما کتاب «المعجم» علامه واعظ زاده خراسانی می‌تواند این خلأ را تا حد زیادی پر کند

آن است که مرحوم واعظ زاده منشأ این شبهات را نه در ضعف هویتی شیخ طوسی، بلکه در انصاف علمی و روحیه گفت‌وگویی او می‌داند؛ به تعبیر او، گاه بهای انصاف، تحمل سوء تفاهم است.» در دوره سوم، هجرت شیخ طوسی به نجف نه عقب‌نشینی، بلکه اقدامی آینده‌نگرانه برای تأسیس حوزه‌ای مستقل تفسیر می‌شود؛ اقدامی که نقطه عطفی در تاریخ علم اسلامی به شمار می‌آید. تحلیل گفتمان روایت علامه واعظ زاده خراسانی نشان می‌دهد که این متن، آگاهانه از زبان تقابلی پرهیز کرده و پروازگان همگرا، ساختارهای آرام و رویکرد شبهه‌زدایی متصفانه تکیه دارد. نتیجه این رویکرد، تقویت اعتماد، بازخوانی عقلانی تاریخ امامیه و ارائه الگویی نو برای تاریخ‌نگاری تقریبی است.

استاد دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی در پایان تأکید کرد، این الگو می‌تواند در مطالعه سایر شخصیت‌های اسلامی نیز به کار گرفته شود و به تقویت گفت‌وگوی میان‌مذهبی و همبستگی امت اسلامی یاری رساند. به گفته او، بازخوانی زندگی شیخ طوسی از منظر تقریبی، ظرفیت‌های عقلانی و اخلاقی سنت امامیه را برای جهان معاصر آشکار می‌سازد؛ ظرفیتی که می‌تواند مبنای همکاری فرهنگی و تقویت هویت مشترک اسلامی باشد.



افتخار دانش‌پور: از نگاه علامه واعظ زاده خراسانی، بازخوانی زندگی شیخ طوسی می‌تواند الگویی نو برای تاریخ‌نگاری تقریبی و تقویت گفت‌وگوی بین‌مذهبی در جهان اسلام باشد. نتیجه این رویکرد تقویت اعتماد بازخوانی عقلانی تاریخ امامیه و ارائه الگویی نو برای تاریخ‌نگاری تقریبی است

علوم انسانی در ایران نتوانسته

التیامی بر زخم‌های ما باشد؛ چرا که ما این علوم را نه از دل سنت خود، بلکه همچون بسته‌ای آماده اخذ کرده‌ایم؛ بی‌آن‌که به کنه انتقادی آن راه

باییم. از این رو، در ایران نه تنها خنثی و بی‌اثر نبوده، بلکه گاه به نیرویی مخرب هم بدل شده که به انسدادهای تازه انجامیده است!

علوم انسانی در ایران: ناکارآمد و دلمشغول نظریه‌پردازی

در ایران، مواجهه‌ای نادرست با علوم انسانی شکل گرفته است. چه آنان که مدافع علوم انسانی اند و چه آنان که با آن سرسختی دارند، در یک نقطه مشترک‌اند و آن، غفلت از وجه بنیادین و انتقادی علوم انسانی و در عوض دلمشغول لایه نظریه‌پردازانه آن شدن است.

ما بیش از آنکه به هسته روش‌شناختی و معرفت‌شناختی علوم انسانی توجه کنیم، درگیر لایه بیرونی و نظریه‌پردازانه آن شده‌ایم. به همین دلیل، علوم انسانی در ایران نه، توانسته راهی به سوی تجدد بگشاید و نه التیامی بر زخم‌های ما باشد. ما این علوم را نه از دل سنت خود، بلکه همچون بسته‌ای آماده اخذ کرده‌ایم؛ بی‌آنکه به کنه انتقادی آن راه باییم. از این رو، علوم انسانی در ایران نه تنها بی‌اثر نبوده، بلکه گاه به نیرویی مخرب بدل شده و به سنت‌سازی‌های صنعتی و انسدادهای تازه انجامیده است! برای فهم این ناکامی، باید به تقابل سنت ایرانی با دیگر سنت‌ها توجه کرد. تمدن‌های بزرگ باستانی از جمله تمدن یونانی، هندی و ایرانی، هر یک بر محور خاصی استوارند: تمدن یونان بر «فلسفه»، تمدن هند بر «دین خویی» و تمدن ایران بر «حکمت عملی» بنا شده است.

سنت ایرانی نه محصور در «امر متعالی» است و نه غرق در «امر مدانی»؛ بلکه پلی میان این دو ایجاد کرده است. سنت ما، سنت فلسفی به معنای یونانی آن نیست، بلکه سنت حکمت عملی است بنابراین نباید درگیر مناسبات فلسفی شویم. علوم انسانی، اگر در سطح بنیادین خود فهم شود، می‌تواند امکانی برای بازخوانی این سنت و گشودن راهی به سوی تجدد و توسعه فراهم آورد و زمینه‌ساز «صلح ایرانی» شود.



اگر «علوم انسانی» را به‌درستی دریابیم، راهی به سوی تجدد و توسعه پیش‌روی ما کشوده خواهد شد؛ اما مکانی که تا امروز در تجربه تاریخی ما به‌درستی تحقق نیافته است

تجربه‌ای که با سنت ایرانی، هندی یا چینی متفاوت است.

مکتب صلح ایرانی

صلح، پیش از آنکه مسئله‌ای امنیتی یا صرفاً سیاسی باشد، مربوط به «دستگاه آگاهی» است. بدون فراهم آمدن این زیرساخت آگاهی، نظریه‌ها و ترتیبات نهادی منجر به صلح شکل نمی‌گیرند. تجربه اروپا نشان می‌دهد که صلح ساختاری، پیامد تجدیدی است که از بازگشت انتقادی به سنت برمی‌خیزد. ایران، از چنین ظرفیت آگاهی برخوردار است. ایران با بهره‌گیری از «حکمت عملی» می‌تواند به تجدد دست یابد و به «توسعه فرهنگی» برسد؛ چنانکه این توسعه به گستره ایران فرهنگی هم تسری یابد و حتی کشورهای همسایه را هم متأثر از خود کند.

همانگونه که چین در توسعه اقتصادی و هند در توسعه خلاقانه، شگفتی آفریده‌اند، ایران هم می‌تواند با «توسعه فرهنگی» جهان را به شگفتی و دارد. نشان‌های این ظرفیت، حتی امروز، در فرهنگ زیسته مردم ایران قابل مشاهده است؛ چنانکه وقتی توریست‌های خارجی به ایران سفر می‌کنند از فرهنگ پیشرفته مردم ایران شگفت‌زده می‌شوند. بازگشت و بازخوانی سنت، ما را در این راه کمک خواهد کرد. بازخوانی سنت به معنای واپس‌گرایی و ایستایی نیست؛ بلکه به معنای بازآیانی آن به دنبال آنها، هگل این سوپرژکتیوئه را از ایستایی رها کرد و آن را به «روح تاریخی» بدل ساخت؛ روحی که در بستر تمدن و تاریخ عنین می‌یابد و بالاخره هابرماس که نشان داد این آگاهی انتقادی چگونه در مناسبات اجتماعی و در افق زبان و ارتباط با دیگری ظهور می‌کند.

این مجموعه، اسکلت درونی علوم انسانی غربی را شکل می‌دهد؛ در حالی که نما و صورت بیرونی آن، حاصل تجربه تاریخی خاص اروپاییان است. از این رو، علوم انسانی غربی، در عین میل به جهانشمولی، یکی از تجربه‌های تاریخی ممکن در کنار تجربه‌های دیگر است؛